

جهاد اکبر

(معرفی کتاب جهاد اکبر یا مبارزه با نفس)

اثر حضرت امام خمینی ره

رضا صنعتی



شامل امور زیر می‌شود:

۱. نزدیکی مرگ و حیات اخروی

کتاب با هشداری درباره گذر عمر و نزدیکی مرگ آغاز می‌شود.^۱ امام خمینی ره در صفحات مختلف کتاب به معاد، فشار قبر، عالم برزخ، مشکلات و شداید عوالم پس از مرگ، قیامت، حیات اخروی، تجسم اعمال، شهادت اعضا و جوارح، عقبه‌های خطرناک اخروی، عذاب‌های جهنم و... اشاره کرده، نسبت به خطرات آنها هشدار داده^۲ و به تلاش برای رسیدن به بهشت جاودان و برخوردار شدن از نعمت‌های بی‌پایان الهی توصیه فرموده است.^۳

۲. علم، حجاب نشود

خطر علم‌آموزی بدون تهذیب نفس، از دیگر هشدارهای امام خمینی ره است. ایشان با تفاوت گذاشتن میان عالم و مهذب^۴، علم بی‌تهذیب را زمینه‌ساز کبر و نخوت، و انسان متکبر را ناتوان از اصلاح جامعه معرفی می‌کند.^۵

کتاب «جهاد اکبر

یا مبارزه با نفس» تقریری بیانات و توصیه‌های اخلاقی امام خمینی ره به طلاب، روحانیان و حوزه‌های علمیه است که در دوران تبعید ایشان به نجف اشرف، به مناسبت‌های مختلف از جمله در آستانه ماه مبارک رمضان ایراد شده است. این کتاب که ابتدا به همت سید حمید روحانی تقریر، تنظیم و منتشر شد، در سال ۱۳۸۳ توسط «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره» در ۵۵ صفحه رقعی ویرایش و ده‌ها بار به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی، اردو و... بازنشر شده است.

اهمیت کتاب «جهاد اکبر» بیش از هر چیز، از آن جهت است که دربردارنده سخنان شخصیتی مبارزو انقلابی، آن هم در دوران تبعید او از وطن است. آگاهی از این‌که چنین شخصیتی، در چنان شرایطی چه میزان به نکات اخلاقی توجه داشته و چه توصیه‌هایی را در این باره به شاگردان خویش نموده، اهمیت مطالعه آن را افزایش می‌دهد.

تلاش ما در این نوشتار، تحلیل محتوایی این کتاب است.

هشدارها و تنبّهات

بخشی از محتوای «جهاد اکبر» هشدارها و تنبّهاتی است که امام خمینی ره در حوزه‌های فردی و اجتماعی به طلاب و حوزه‌های علمیه داده است. این موارد

۳. روی آوردن جامعه به عالم غیرمذهب

امام در این باره می‌فرماید: «خدا نکند انسان پیش از آن‌که خود را بسازد، جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند، که خود را می‌بازد».^۶

۴. افول علوم معنوی و غفلت از تربیت علمای مهذب

یکی از دغدغه‌ها و هشدارهای مهم امام خمینی ره، افول علوم معنوی و روحانی و نگرانی از ناتوانایی حوزه‌های علمیه در تربیت علمای اخلاق، مریبان مهذب و مردان الهی در آینده است.^۷ ایشان در این باره می‌فرماید:

«اگر حوزه‌ها همین‌طور از داشتن مریب اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود».^۸

۵. رخنه دنیاگرایی در روحانیت

امام خمینی ره کمبود علوم معنوی و معارف در حوزه‌ها را زمینه‌ساز رخنه مسائل مادی و دنیوی در روحانیت و دوری آنها از معنویت معرفی کرده و سبب فراموشی و وظیفه اصلی روحانیت دانسته است.^۹

۶. سنگینی مسئولیت طلبگی

امام ره در بخشی از سخنان خود درباره سنگینی مسئولیت گمراهی حتی یک نفر به سبب اعمال، کردار و رفتار ناروای یکی از اهل علم هشدار داده، آن را از اعظم کبایر معرفی می‌کند؛ چنان‌که هدایت یک نفر را

موفقیت
در جامعه
معرفی می‌کند.^{۲۲}

۲. تلاش برای خودسازی

ورسیدن به فضایل اخلاقی

نکته جالب در گفتار امام آن است که ایشان ضمن اشاره به نقشه‌های استعمارگران برای نابودی اسلام و حوزه‌های علمیه، خودسازی را مهم‌ترین راه مقابله با آنها دانسته، خنثی‌سازی نقشه‌های استعمار را فقط در سایه تهذیب، تجهیز، نظم و ترتیب صحیح ارزیابی می‌کند.^{۲۳} ایشان برای موفق شدن در مسیر خودسازی، به نکات زیر اشاره می‌کند:

۱-۲. استغفار و پرهیز از گناهان

متناسب با مخاطبان، گناهای چون: غیبت، تهمت، بدگویی، دروغ، کینه، حسد، نسبت‌های ناروا، اهانت، جسارت و... بیشترین نکوهش‌ها را در این کتاب دارد.^{۲۴}

۲-۲. مراقبه از نفس

به عنوان نمونه امام خمینی در این رابطه می‌فرماید:

«مراقب زبان، چشم، گوش، و همه اعضا و جوارح خود باشید و دائماً متوجه باشید این عملی که می‌خواهید انجام دهید، این سخنی که می‌خواهید بر زبان آورید، این مطلبی که دارید استماع می‌کنید، از نظر شرع چه حکمی دارد».^{۲۵}

۳-۲. داشتن استاد و برنامه اخلاقی

وی در این باره می‌فرماید:

«در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی‌توان مذهب شد».^{۲۶}

۴-۲. بهره‌برداری از فرصت جوانی

به عنوان نمونه امام خمینی در این رابطه می‌فرماید:

«اگر در جوانی به فکر اصلاح و ساختن خود

دیدگان مردم را سبب

بی‌آبرویی روحانیت و دست برداشتن ملت از پشتیبانی آنها، باز شدن راه نفوذ دشمن و در نتیجه، فروپاشی دیانت معرفی کرده،^{۱۵} هیچ عذر و بهانه‌ای، از جمله ادعای عمل به تکلیف شرعی در ورود به این اختلافات را نپذیرفته، می‌فرماید:

«گاهی شیطان برای انسان تکالیف و وظایفی تعیین می‌نماید. گاهی هواها و خواسته‌های نفسانی به اسم وظیفه شرعی، انسان را به کارهایی وامی‌دارد. این وظیفه شرعی نیست که کسی نسبت به مسلمانی اهانت کند؛ از برادر دینی بدگویی نماید. این حب دنیا و حب نفس است؛ این تلقینات شیطان است که انسان را به این روز سیاه می‌نشانند. این تخصص، تخصص اهل نار است».^{۱۶}

وظیفه بزرگان حوزه

امام خمینی رحمته‌الله در این کتاب، برخی امور را وظیفه بزرگان حوزه بیان فرموده، بر آنها تأکید می‌کند، که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. توجه به تعلیم و تعلم اخلاق و علوم معنوی؛^{۱۷}
۲. توجه به لزوم وجود راهنمایان اخلاق و مربیان قوای روحانی؛^{۱۸}
۳. توجه به برپایی مجالس پند و موعظه در حوزه‌ها؛^{۱۹}

۴. پرداختن فقها و مدرسین سطوح عالی به تربیت و تهذیب طلاب در خلال درس‌ها؛^{۲۰}
۵. ایجاد نظم و انضباط در حوزه‌های علمیه.^{۲۱}

وظایف طلاب و روحانیان

اصلی‌ترین توصیه‌های امام به خود طلاب و روحانیان است. ایشان رهنمودها و نصایح مهمی در این کتاب خطاب به آنها داشته‌اند که در ادامه، به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

۱. تحکیم پایه فقاقت

امام خمینی رحمته‌الله اجتهاد و صاحب‌نظر بودن در فقه را لازمه راهبری اسلامی و

بنا بر برخی روایات «بهتر از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد» ارزیابی می‌نماید.^{۲۰} ایشان همچنین به این نکته اشاره دارد که اگر عالمی منحرف شد، ممکن است امتی را منحرف کرده، به عفو نت بکشد و اگر عالمی مذهب باشد، جامعه‌ای را مذهب و هدایت خواهد کرد.^{۲۱}

۷. انتظار بالای مردم از اهل علم

امام خمینی رحمته‌الله حساسیت ویژه و انتظار بالای مردم از اهل علم را عاملی می‌داند که حتی ارتکاب برخی مباحات را برای آنها غیرمجاز می‌گرداند.^{۲۲} ایشان مشاهده رفتار خلاف انتظار از یک روحانی را سبب انحراف مردم از دین و روی‌گردانی از کلیت روحانیت معرفی کرده است.^{۲۳}

۸. وجود دست‌های ناپاک برای بی‌اهمیت جلوه دادن برنامه‌های اخلاقی

امام خمینی رحمته‌الله در بخشی از سخنان خود درباره احتمال وجود دست‌های ناپاک برای بی‌اهمیت جلوه دادن اموری چون: منبر رفتن، پند و موعظه دادن و مغایر جلوه دادن آنها با مقام علمی شخصیت‌های حوزوی هشدار داده‌اند.^{۲۴}

۹. خطر اختلاف و چنددستگی در حوزه

یکی از هشدارهای قاطع امام خمینی رحمته‌الله در این کتاب، پرهیز دادن از دسته‌بندی‌ها، خودخواهی‌ها، نفاق و اختلاف‌پراکنی در حوزه‌های علمیه است. ایشان هدف از دامن زدن به این اختلافات را رخت بر بستن معنویات و اخلاقیات از حوزه‌ها و در نتیجه فاسد و ساقط کردن آنها می‌داند. امام بروز اختلاف در میان حوزویان و رواج رفتارهای زشتی چون: هتاک، توهین، جسارت، تفسیق، هیاهو، تکذیب، بدگویی، تعرض و رقابت با یکدیگر برای جلب منافع شخصی و دنیوی در برابر

نباشید،
دیگر در پیری
کار از کار گذشته
است... قلب جوان لطیف
و ملکوتی است و انگیزه‌های
فساد در آن ضعیف می‌باشد؛
لیکن هر چه سن بالا رود، ریشه گناه
در قلب قوی‌تر و محکم‌تر می‌گردد، تا
جایی که کندن آن از دل ممکن نیست»^{۲۷}

۵-۲. توجه به دعا و عبادت

یکی دیگر از سفارش‌های امام خمینی علیه السلام توجه به دعا و عبادت در جهت خودسازی و بندگی خداوند است.^{۲۸}

۶-۲. بهره‌وری از اوقات خاص

بهره‌برداری از زمان‌های خاص، نقش مهمی در سلوک معنوی انسان دارد. امام خمینی علیه السلام نیز در این کتاب بر اهمیت ماه مبارک رمضان در این جهت تأکید ویژه‌ای دارند و می‌فرمایند:

«اگر شما نتوانید خود را [در ماه رمضان] اصلاح و مهذب نمایید، نفس اماره را تحت مراقبت و کنترل خود درآورید، هواهای نفسانیه را زیر پا گذاشته، علاقه و ارتباط خویش را با دنیا و مادیت قطع کنید، بعد از پایان یافتن شهر صیام مشکل است بتوانید این مسائل را به مرحله عمل درآورید»^{۲۹}

۳. تلاش برای جلب اخلاص

ایشان درباره خطر خلوص نیت نداشتن می‌فرمایند:

«مواظب باشید مبدا پنجاه سال، بیشتر یا کمتر، در حوزه‌ها با کد یمین و عرق جبین، جهنم کسب نمایید؛ باید به فکر باشید»^{۳۰}

۴. خوش رفتاری با مردم

ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

«با خلق خدا حسن سلوک داشته، نیکو معاشرت کنید و با نظر عطف و مهربانی به آنان بنگرید. البته با گناهکار به خاطر عصیان و طغیان‌شان خوب نباشید و کار زشت و نادرست او را به رخس بکشید و او را از آن نهی کنید؛ ولی از هر ج و مرج، آشوب و بلوا، خود را بر حذر دارید.

با بندگان خوب و صالح خدا نیکي کنید. آنان را که عالم‌اند به خاطر علمشان، کسانی را که در صراط هدایت‌اند به خاطر اعمال نیک‌شان، و آنان را که جاهل و نادان‌اند، چون بندگان خدایند، احترام نمایید؛ خوش رفتاری کنید؛ مهربان باشید؛ صداقت و برادری داشته باشید»^{۳۱}

۵. پرهیز از شهرت

ایشان بر این مسأله تصریح می‌کنند که: «شما در راه خدا رحمت بکشید؛ فداکاری کنید؛ خداوند شما را بی‌اجر نمی‌گذارد. اگر در این دنیا نشد، در آخرت پاداش خواهد داد. اگر جزا و پاداش شما را در این عالم نداد، چه بهتر. دنیا چیزی نیست. این هیاهوها و شخصیت‌ها چند روز دیگر به پایان می‌رسد؛ مانند خوابی از جلو چشم انسان می‌گذرد؛ لکن اجر اخروی لایتناهی و تمام‌نشدنی خواهد بود»^{۳۲}

۶. دوری از دنیا

امام خمینی علیه السلام در بخش‌های مختلف این کتاب بر لزوم پرهیز از توجه به زرق و برق و مظاهر دنیا تأکید نموده، تصریح می‌کند:

«با کوچک‌ترین توجه به دنیا، محال است انقطاع اِلی الله تحقق یابد»^{۳۳}

۷. تقویت اراده

ایشان در این باره می‌فرمایند:

«شما جوان‌ها باید اراده خود را قوی کنید تا در مقابل هر ظلم و بیدادگری ایستادگی نمایید، و جز این چاره‌ای ندارید. حیثیت شما، حیثیت اسلام، و حیثیت ممالک اسلامی، بسته به این است که ایستادگی و مقاومت نمایید»^{۳۴}

۸. آمادگی برای فدای جان در راه اسلام

امام در این باره نیز می‌فرمایند:

«با حبّ نفس و حبّ جاه و کبر و غرور نمی‌توان [در برابر ایادی استعمار] مقاومت کرد... از هم‌اکنون این نکته را در قلب خود بپرورانیید و تربیت کنید که من باید یک سرباز مسلح و اسلامی باشم و برای اسلام فدا شوم؛ من باید برای اسلام کار کنم تا از بین بروم»^{۳۵}

نتیجه‌گیری

مطالعه این کتاب کوچک و کم‌حجم، ما را با

شخصیت
و افق فکری
امام خمینی علیه السلام و
مسیری که ایشان برای به
حرکت درآوردن جامعه‌ای خموده
و سست پیمود، آشنا می‌سازد؛ راهی
که برای همه انسان‌ها باز است و توفیقات
و عنایات الهی همراه رهروانش خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، سید روح‌الله موسوی خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ نهم، ۱۳۷۸، ص ۱۱، (با استفاده از نرم افزار نورالجنان).
۲. همان، ص ۲۰-۱۹.
۳. همان، ص ۲۲.
۴. همان، ص ۱۹.
۵. همان، ص ۲۰.
۶. همان، ص ۲۲.
۷. همان، ص ۲۴.
۸. همان، ص ۲۳.
۹. همان، ص ۲۵-۲۴.
۱۰. همان، ص ۱۳.
۱۱. همان، ص ۱۷-۱۳.
۱۲. همان، ص ۱۳.
۱۳. همان، ص ۱۴-۱۳.
۱۴. همان، ص ۲۵-۲۴.
۱۵. همان، ص ۲۹-۲۶.
۱۶. همان، ص ۳۲-۳۰.
۱۷. همان، ص ۱۲-۱۱.
۱۸. همان.
۱۹. همان.
۲۰. همان، ص ۱۲.
۲۱. همان، ص ۶۱-۶۰.
۲۲. همان، ص ۲۰.
۲۳. همان، ص ۶۱-۶۰.
۲۴. همان، ص ۳۸ و ۳۹ و ۴۰.
۲۵. همان، ص ۴۲-۴۱.
۲۶. همان، ص ۲۳.
۲۷. همان، ص ۶۰-۵۸.
۲۸. همان، ص ۳۶.
۲۹. همان، ص ۴۰-۳۹.
۳۰. همان، ص ۲۳-۲۲.
۳۱. همان، ص ۳۶.
۳۲. همان، ص ۲۵.
۳۳. همان، ص ۳۷.
۳۴. همان، ص ۶۲.
۳۵. همان، ص ۶۲-۶۱.